

تاریخ و جغرافیای تاریخی کازرون در مفتاح الهدایه و مصباح العنایه

● حسن حاتمی

کرده‌اند (ابن حوقل در المسالک و الممالک - قرن چهارم / مقدسی در کتاب التقاسیم - قرن چهارم / در کتاب حدود العالم - قرن چهارم / و مستوفی در نزهة القلوب تالیف سال ۷۵۰ ق. که می‌نویسد: چون در اصل سه دیه بوده اکنون نیز عمارت متفرق بود (۲) - هر یک در کنارتانی) و بالطبع به دور از شماری که محمود بن عثمان باغلو گفته است.

یکی دیگر از آثار گران‌بهای محمود بن عثمان، کتاب مفتاح الهدایه و مصباح العنایه تالیف سال ۷۴۸ هجری قمری است که اخیراً توسط انتشارات روزنه به چاپ رسیده است، منتهی این بار به دست پژوهشگری ایرانی، جوان و علاقه‌مند و پر تلاش، که به خوبی هم از عهده آن برآمده است.

کتاب مصباح العنایه دارای یک مقدمه ارزشمند ۵۶ صفحه‌ای، ۳۵۸ صفحه متن و پیوست‌های زیر است: فهرست آیات و احادیث و سخنان پیامبران و ائمه و مشایخ، دعاها، ابیات و امثال و واژه‌ها و ترکیب‌ها و نام و نسب اشخاص و خاندان‌ها و منابع و چند عکس از مزار و بارگاه شیخ امین الدین و... از جمله شرح حال و معرفی مشاهیر و خاندان مشایخ بلیانی و مقابر آنها و مریدان شیخ و بزرگان دیار.

محمود بن عثمان می‌نویسد: «شیخ در سن چهارده سالگی بود که فتح این کار را پدید شد، در بیست و چهار سالگی به درجه کمال رسیده بود و در چهل و دو سالگی بود که چهل درویش صاحب درد و سالک صادق مجرد، به اتفاق در خانقاه علیا به خلوت نشسته بودند.» (ص ۴۵)

بر این شمار به خلوت نشستگان، بسیاری دیگر در خانقاهها و گوشه‌ها و زاویه‌های منطقه اگر بنگریم، تعجب و تحیر خواهیم داشت برای این خطه که در قرن چهارم، جهانگردان، کازرون را دمیاط ایران می‌شمردند (دمیاط شهر تجاری مصر در ساحل نیل بود) و «بیاعان بارهای کازرونی در بستندی و غربا بیامدندی و همچنان در بسته بخریدندی، بی‌آنکه بگشادندی...»

چنان که وقت بودی که خرواری کازرونی به دهدست برفتی ناگشاده از آن که بر بیاعان اعتماد داشتندی.» (۳)

خرواری کازرونی پارچه‌های توزی، دبیق (نوعی پارچه زری)، پارچه‌های کتانی، دستمال‌های مرغوب و ده نوع عطر که از شکوفه‌های گل‌ها و درختان می‌گرفتند و صادر می‌کردند و به قول صاحب کتاب احسن التقاسیم: «عبدالدهله دیلمی

انتشار آن بست.

کتاب فردوس المرشدیه نه تنها از نظر جغرافیای تاریخی منطقه کازرون، بلکه از لحاظ دربرداشتن بارهای گویش‌های محلی کازرونی (واژه‌ها و ترکیب‌ها و ابیاتی به گویش کازرونی) بسیار پرفیض و ارزشمند و آگاهی دهنده است همچنین از درگیری‌های میان شیخ ابواسحاق و حامیان او از یک سو و پیروان کیش زرتشتی از سوی دیگر گزاره‌هایی در کتاب آمده که بسیار حایز اهمیت و شایان توجه است. اینکه مردم کازرون تا زمان درگیری‌ها (نیمه اول قرن پنجم) بر کیش نیاکانی خود ابرام داشتند (بعدها در کتاب مصباح العنایه می‌بینیم که این پا فشاری تا قرن هشتم هم ادامه داشته است) هر چند محمود بن عثمان در ذکرو قایع افراتی می‌ورزیده است. (به رقم ۲۴ هزار نفر که گفته شده به دست ابواسحاق کشته و یا مسلمان شده‌اند دقت شود) و حال آن که جمعیت کازرون بنا به نوشته گنت دو گوینو در سفرنامه سه سال در آسیا در نیمه دوم قرن نوزدهم (۱۸۵۸-۱۸۵۵ م) حدود پنج هزار نفر بوده است (۱) و همه مستشرقینی که به این شهر سفر کرده‌اند، کازرون را سه دیه با عمارت‌های پراکنده وصف

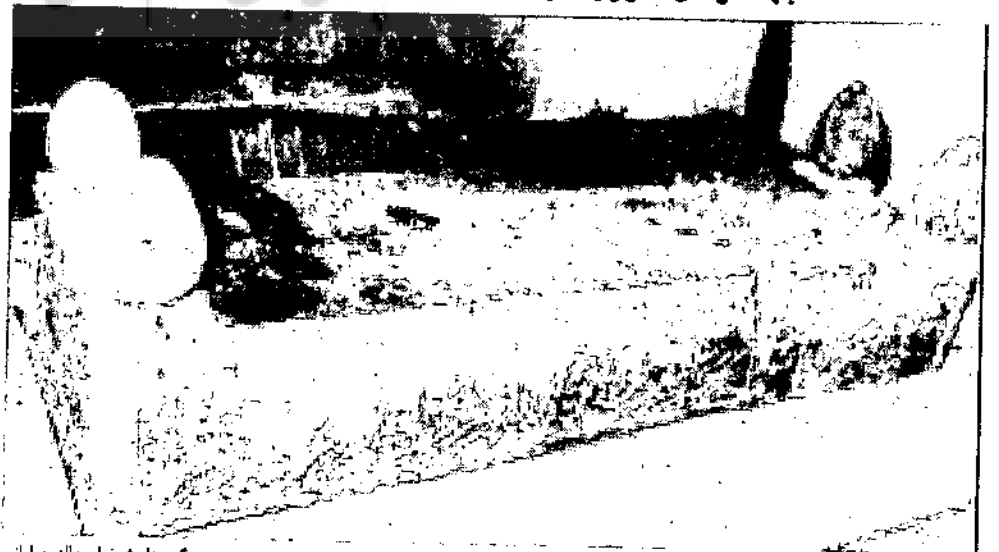


محمود بن عثمان یکی از عرفای اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری و از مریدان شیخ امین الدین محمد بلیانی (کازرون - م ۷۴۵ ق) است.

نخستین بار نام او را با کتاب مستطاب فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه شنیدم که به همت دانشمند ارجمند ایرج افشار در سال ۱۳۳۳ خورشیدی و با سرمایه مرحوم طهوری در چاپخانه مجلس شورای ملی و بار دیگر در سال ۱۳۵۸ خورشیدی توسط انجمن آثار ملی چاپ و منتشر شده است. این کتاب سیرتنامه شیخ ابواسحاق کازرونی است که اصل آن به زبان عربی است و محمود بن عثمان در سال ۷۲۸ ق. یعنی ۳۰۰ سال پس از مرگ ابواسحاق، آن را به زبان فارسی برگردانده و به کمک سیرتنامه‌های دیگر تکمیل کرده است.

فردوس المرشدیه اول بار در سال ۱۹۴۳ م. در استانبول بر اساس نسخه خطی موجود در یکی از کتابخانه‌های ترکیه با مقدمه و تصحیح فریتز مایر، اسلام‌شناس معروف سوئیس به چاپ رسید اما تمام نسخه‌های آن ظاهراً در یک حمله هوایی از بین رفت، تنها چند نسخه عکسی از آن در سال ۱۹۴۸ م. در لایپزیک منتشر شد که استاد پر تلاش ایرج افشار کمر به

تعجب و تحیر خواهیم داشت برای این خطه که در قرن چهارم، جهانگردان، کازرون را «دمیاط» ایران می‌شمردند



سنگ مزار شیخ امین الدین بلیانی

برای تجار کازرونی، سرایی بزرگ ساخته بود که سالی ده هزار درهم از آن سرای درآمد داشت. (۴) و مردم کازرون در آن زمان مرغوبترین خرما را به عالم صادر می‌کردند و اسب تربیت می‌کردند و به هند می‌فرستادند.

اما شیخ با اینهمه خود وارث مشرب شیخ ابواسحاق تصوف بوده (از مشایخ سلسله مرشدیه) اما پژوهشگر این اثر در مقدمه‌ای که بر کتاب آورده طریقت شیخ رامستقل می‌داند. (۵) و او را به عرفای قرن اول هجری نزدیک می‌شمارد.

شیخ امین‌الدین گرچه بنا به طریقت خود به ریاضت شدید و مبارزه با نفس و چله‌نشینی و بیزاری از تعلقات دنیوی می‌پردازد اما در عین حال از شطح و سطحیات و طامات گویی بیزاری می‌کرد و معتقد بود که: «نایدکاری کرد که مردم به طایفه صوفیه بد گمان شوند». (از مقدمه نامه شیخ به درویش حاج علی). او شطح و طامات را نشانی از نادانی می‌دانست و از آلودگی‌هایی که به درویش و عرفا نسبت داده می‌شد، پرهیز می‌کرد. شیخ حتی در شفاعت از جهودان به دیوان می‌رود. (۶) و در سفر پیرمرد جهودی را که از پیاده شدن از کشتی در مانده بود، به دوش می‌گیرد (مقدمه جواهر).

شیخ به عمران و آبادانی منطقه علاقه بسیاری داشته است از جمله جاری ساختن چشمه بیدمشک (بمشق از کوه شمال غرب کازرون به درون شهر) و ساختن رباطها و سقایه‌ها و مدرسه تا آنجا که خشم و عناد عده‌ای را بر می‌انگیزد از جمله معترضی که در «مسجد جامع مرشدی» بالای منبر می‌رود و در اعتراض به شیخ می‌گوید: «همه روزه به عمارت کردن مشغول است و از هر کس هر چه می‌خواهد می‌ستاند.» (۷) محمودین عثمان می‌گوید: «بیوسته کاری کردی و چیزی ساختی که راحت مسلمین در آن بودی.» (۸) سقایه مرشدیه، یکی از عماراتی است که شیخ کرده است. محمودین عثمان محل سقایه را مشرق مسجد جامع گفته است. و پژوهشگر جوان ما آقای شیخ‌الحکامی با استناد به نوشته صاحب کتاب شهر سبز، آن را با حوض گنج‌آباد یکی گرفته که این قول به دور از دقت علمی و عینی است.

قدر مسلم این است که محیط آرامگاه شیخ ابواسحاق و مسجد جامع مرشدی از محلودمختصر امروز آن بنا به شواهد فراوان که در کتب کواها به دست آمده بسیار فراتر بوده است. بنابراین استناد پژوهشگر هوشیار کتاب به این که: «این سقایه باید همان حوض بزرگ منوری باشد که تا چهل سال پیش در سمت شرقی مقبره شیخ مرشد باقی بوده و به حوض سقایه شهرت داشته با تساهل همراه است (۹) چرا که این حوض مثل هر حوض بزرگ دیگری معمولاً در دم کت damkat (مظهر) هر رشته آب قنات ساخته می‌شده تا آب قنات را انبار و توزیع مناسب کنند. و در کازرون مشابه بسیار دارد و حوض گنج‌آباد یکی از بسیاری است تو نه سقایه بود و نه گزاره‌های شهر سبز قابل اعتنا و نه حوض گنج‌آباد هیچ‌گاه به سقایه مشهور بوده. به علاوه میان حوض و سقایه (سقاخانه) تفاوت زیاد است.

پژوهشگر هوشیار ما اگر به قسمت «ب» در ص سیزده (مقدمه کتاب) دقت می‌داشتند، در سال ۷۱۳ از طرف جنوب مسجد (هفت صف در چهار صف از پس قبه شیخ تا روی دیوار سقایه)؛ مسجد مرشدیه گسترش می‌یابد. اگر قول جهانگردانی که از کازرون گذشته‌اند و در دارالمسافرین مرشدیه بیتوته کرده، در مسجد مرشدیه نماز گزارده و مشاهدات خود را کما هو گفته‌اند سندیت داشته باشد، و مشاهدات عینی امروزین هم مورد اعتبار بدانیم، سقایه شرقی مرشدیه دست‌کم دورتر از حوض گنج‌آباد بوده و اضافه کنیم که هم امروز روبه روی دیوار شمالی مرقد شیخ، سقایه‌ای هست که بر روی آن عمارت نو ساخته‌اند.

طرح ناتمام دو سمت مزار صندوقی ضیاءالدین مسعود بلیانی

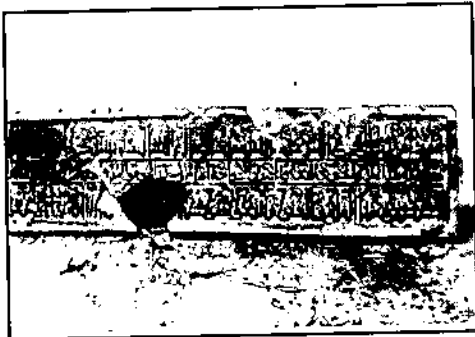
کتاب مفتاح الهدایه و مصباح العنایه در بردارنده بسیاری واژه‌ها و ترکیبات گویش کازرونی است و نیز از منظر جغرافیای تاریخی و گونه‌های زیستی مردم در قرن هشتم آگاهی دهنده است

دیگر اینکه هم مقبره شیخ مرشد یک بار در آتش خشم اسماعیل صفوی می‌سوزد و ویران می‌شود و باری هم زلزله آن را با خاک یکسان می‌سازد. در ذیل بارگاه مسجد امروز شیخ مرشد، و نیز در شرق آن، پی‌ساختمان‌ها تا عمق هفت متر رفته و به سنگ فرش ویا پی‌ساختمان‌های ویران شده و بعضاً حیرت‌انگیز عمارات مرشدیه می‌رسد و آنچه امروز هست ساخته‌های مختصری بر روی آن ویرانه‌هاست و بس. با اینحال لازم به تاکید است که جناب شیخ‌الحکامی شان والا ایی از هم ابتدای کار در میان اهل تحقیق دارند و به یقین بگویم که ارزش مقدمه کتاب که شیخ‌الحکامی نوشته به مراتب از خود متن کتاب مفیدتر و پر بارتر است و این جای شکر و تبریک دارد.

کتاب مفتاح الهدایه و مصباح العنایه در بردارنده بسیاری واژه‌ها و ترکیبات گویش کازرونی است و نیز از منظر جغرافیای تاریخی و گونه‌های زیستی مردم در قرن هشتم آگاهی دهنده است. اما محمود عثمان بی‌گمان بنا به ارادت و شوریدگی نسبت به شیخ امین‌الدین آن همه داستان‌های خیال گونه و خرق‌عادت از مراد خود آورده است.

قدر مسلم بار ستمی که بر مردم کمرشکن بود، ادامه‌یله حمله مغول و تاتارها و استقرار حکومت ایلخانان، حاصلی جز مشکلات مداوم، فقر روزافزون و خرابی بیابانی و قوتور و سستی دمامد برای مردم ایران نداشت بازاها و ساواها و تالان‌های بی‌حد و غارت عمومی و ابتلائات مختلف و مصایب بی‌شمار همسبب روی آوری مردم بی‌بنا به مشایخ و زهاد و اعتقاد و احترام به آن‌ها به امید تنفی و تسلی از ایشان شده بود. و این زمانی است که اروپا بیداری را می‌آزماید و در این منطقه تولید و کار و بازرگانی را به درویشی، سه‌شبهانه روز بر پای ایستادن و ذکر کردن و چله‌نشینی بدل می‌دارند.

دریغ با آن که شیخ امین‌الدین خود بر این قول رسول اکرم



سنگ مزار رشید الدین ابوالخیر بلیانی

ص بوده:

«نماز کسی نزد خداوند مقبول است که... طعام دهد گرسنگان را بیوشاند برهنگان را و رحمت کند بر مصیبت‌رسیدگان...» (۱۰) هر چند که شیخ مشکلات مردعرا هم توجه داشته است. اما... چه شد که سرهای تجاری کازرون و کارگاهها و تولیدکنندگان دیگر نیستند؟

این خود مستلزم تحقیقی ژرف، در تاریخ و جغرافیای تاریخی کازرون است که آثاری چون فردوس المرشدیه و اکنون مفتاح الهدایه و مصباح العنایه می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در اختیار بگذارد. مطالبی که در منابع دیگر یافت نمی‌شود.

پانوشتها:

- ۱- کت دو گوینو، سه سال در آسیا، سفرنامه کت دو گوینو، مترجم عبدالرضا هوشنگ انصاری، تهران، شرکت کتابسرا، چاپ اول، ۱۳۴۷، ص ۱۵۰
- ۲- مستوفی قزوینی، حمدالله، نزهة القلوب، به اهتمام و تصحیح گای لسترینج، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۴۲، ص ۱۲۶
- ۳- ابن بلخی، فارسی، گای لسترینج و ریچارد آن نیکلسون، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۴۳، ص ۲۴۵
- ۴- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه دکتر علیقلی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران، چاپ اول، ۱۳۴۱، ج ۲، ص ۴۴۶
- ۵- محمودین عثمان، مفتاح الهدایه و مصباح العنایه، سیرت نامه شیخ امین‌الدین محمد بلیانی، پژوهش عمادالدین شیخ‌الحکامی، تهران، روزنه، ۱۳۷۶، ص ۸
- ۶- همان، ص ۶۵
- ۷- همان، ص ۱۶۸
- ۸- همان، ص ۱۲
- ۹- بهرزی، محمدجواد شهرسبز، شیراز، انتشارات کانون تربیت، ۱۳۳۶، ص ۱۶۲

